

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آئین بارگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سمنان



اقتصاد مت مق

در احکامهای اجرایی
شدن سیاستهای

پیشداوات
آفاق
سمنان
در خصوص



برای ورود به این مبحث لازم است ابتدا این سوالات را مطرح کنیم که چرا اقتصاد کشور پس از قریب ۶ دهه برنامه‌های توسعه‌ای همچنان در مراحل حساس و سرنوشت‌ساز قرار دارد؟ چرا با وجود برنامه‌های توسعه‌ای در قبل و بعد از انقلاب که همگی افق روشن را برای جامعه ما ترسیم کرده بودند در اجرا با عدم حصول به نتایج متصور منتج شده است؟ و چرا پس از بیش از نیم قرن تلاش برای توسعه و رشد بالای اقتصادی باید الگوی اقتصاد مقاومتی را به عنوان نسخه نجات بخش اقتصاد کشور تجویز نماییم؟

در پاسخ به همه این سوالات به یک نقطه مشترک دست می‌یابیم و آن اینکه متأسفانه به دلایل مختلف تاریخی و فرهنگی عزم لازم و حتی حداقلی برای توسعه متوازن و متعادل ایران ایجاد نشده است و برای برون رفت از این نابسامانی ذهنی گاهی چنان انبساطی عمل می‌کنیم و به نسخه‌های تجویزی و غیرمتناسب با شرایط کشور پناه می‌بریم و گاهی چنان در انقباض مدیریتی و تصمیم‌گیری غرق می‌شویم و خود را مستقل و بی‌نیاز از همه جهان تصور کرده و هزینه‌های گزافی را بر کشور وارد می‌سازیم.

و حال که به درستی و شایستگی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی رهایی اقتصاد کشور از قید و بندها از سوی مقام معظم رهبری در قالب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و ابلاغ شده است باید یک بار برای همیشه همگان اعم از مردم و مسئولین در همه مرتبه‌های حاکمیتی این سند بالادستی را به عنوان مانیفست و قانون اساسی اقتصادی کشور مورد توجه و دقت قرار دهند و از به جای بسنده کردن اقدامات خود در شعارها، اعتقاد قلبی و التزام عملی خود را در اجرای این مصوبه ابراز دارند. در این مبحث روی سخن با مسئولین تصمیم ساز و تصمیم گیر می‌باشد هر چند بر این اعتقادیم که نقش و وظیفه و رسالت مردم در حل این معضل تاریخی بسیار گسترده است اما تردیدی نیست ملت نگاه به رویکردهای اتخاذی از سوی مسئولین دارند و در واقع تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان نقش موثری در بسج و وحدت و همدلی برای جهاد عظیم فرهنگی و اعتقادی متناسب با الگوی اقتصاد مقاومتی دارند. حضرت رسول اکرم می‌فرمایند «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته»

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سمنان بنا بر تکلیف ملی و شرعی خود پس از ابلاغ این مصوبه چندین نشست در این خصوص برگزار کرد و نظرات کارشناسان مرتبط را نیز اخذ نمود که در ۲۴ بند مصوبه به شرح زیر ارائه و تبیین می‌شود:

در صدر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام قید شده است که جهت اجرای این احکام به عنوان یک سند بالادستی باید رویکردی جهادی و انعطاف پذیر داشته باشیم ولی متأسفانه شاهد آن هستیم در اجرای این مصوبه چنین رویکردی در حاکمیت مشاهده نمی‌گردد. به عبارت دیگر از آنجایی که این مصوبه



یک سند بالادستی محسوب می‌گردد و برای تمامی ارکان نظام لازم‌الاجراء است ولی ملاحظه می‌کنیم کمتر التزام عملی به آن دارند و به مغز و محتوای بنیادین سند و نیز فرمایشات مقام معظم رهبری توجه جدی و کارساز نشده است. این امر خود نشأت گرفته از عدم وجود روحیه جهادی در مدیران حاکمیت است و یا اینکه سایر قوانین موضوعه متناسب با این قانون نمی‌باشد. به عبارت دیگر متناسب با روح حاکم بر این مصوبه می‌بایست قوانین حاکم و مصوب مورد پایش و پالایش قرار گرفته تا در اجراء با تمسک به روحیه جهادی بتوانیم مواد ۲۴ گانه آن را به اجراء در آوریم؟

بند یک: تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط.

شاهد آن هستیم با وجود تصویب قوانین بهبود مستمر محیط کسب و کار و رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور تاکنون زمینه توسعه کارآفرینی و فعالیتهای طبقات عمومی جامعه در فعالیتهای اقتصادی فراهم نگردیده است و ملاحظه می‌شود تا کنون شرکت‌های دولتی و شبه دولتی، ارگان‌ها و سازمان‌های خاص سهم عمده‌ای از اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده‌اند و با در دست داشتن امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی و سرمایه عملاً مانع حضور و بروز بخش‌های مردمی و خصوصی در فعالیتهای اقتصادی می‌شوند و یا هرگونه فعالیت اقتصادی می‌بایست در زیر سیطره اینان باشد. گستردگی حضور این قبیل بنگاه‌ها در فعالیتهای مرتبط با امور پیمان سپاری، حمل و نقل، صادرات، بانکی و بیمه‌ای صنعت و معدن به گونه‌ای است که مانع توزیع امکانات در جامعه می‌شود و این عمده‌ترین مانع بروز شکوفائی و انگیزه و خلاقیت در فعال سازی سرمایه‌های انسانی کشور است تا زمانیکه دولت خود مجری سرمایه‌گذاری باشد و با بهره‌مندی از خوان گسترده درآمدهای رانتی نفت و مالیات نه تنها به فربه تر کردن خود بپردازد بلکه به شکلی تبعیض آمیز و غیر رقابتی با تخریق منابع مالی به بنگاه‌های اقتصادی خود که در قالب یک سازمان اداری دولتی اداره می‌شوند آنها را با اجبار سرپا نگاه‌دارد نمی‌توان امیدوی به برداشتن اولین گام اقتصاد مقاومتی داشت.

پیشنهادهای

- ۱- کلیه قوانین، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اقتصادی کشور می‌بایست در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و اداره کل تنقیح قوانین ریاست جمهوری احصاء و پایش و پالایش شود به نحوی که اولاً تعارض و تعدد در قوانین شناسایی و اصلاح شود و ثانیاً قوانین اصلاح شده با روح حاکم بر این سیاست‌ها تطابق و همخوانی داشته باشد.
- ۲- از گسترش حوزه عملکرد شرکت‌های شبه دولتی و سازمان‌های خاص به خصوص در حوزه‌های غیر مرتبط و مالی و بانکی، بیمه‌ای جلوگیری شود.
- ۳- فراهم سازی زمینه حضور جامعه اقتصادی کشور به خصوص در زمینه اخذ تسهیلات که این خود می‌تواند از طریق وضع قوانین و دستورالعمل‌هایی که در بند یک پیشنهاد گردید فراهم گردد.
- ۴- کاهش نرخ سود بانکی تسهیلات و سپرده‌های بانکی
- ۵- ایجاد مشوق‌های خاص در زمینه مالیات، تأمین اجتماعی و صادرات برای بنگاه‌های کوچک و متوسط اعم از بخش‌دگی و یا یارانه حمایتی.

بند دو: پیشسازی اقتصاد دانش بنیان ، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.

خوشبختانه در فرایند توسعه کشور شاهد تحولات ساختاری قابل توجهی در نظام آموزشی کشور بوده‌ایم اما در این مسیر نواقصی خودنمایی می‌کند لازم است در راستای افزایش سهم کشور در تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان به اقدامات انقلابی متناسب با نیازها و مطالبات الگوی اقتصاد مقاومتی مباردت ورزشیم. آموزش عالی در داخل کشور عمدتاً بر مبنای الگوی توسعه پیش از انقلاب تدوین شده بود به این معنا که در آموزش عالی نخبگان شناسایی و برای تکمیل دانش و آگاهی تخصصی خویش به ویژه در حوزه‌های دانش بنیان مجبور به ادامه تحصیل در خارج از کشور بودند اما پس از انقلاب تلاش‌ها موثر و زیادی برای تکمیل فرایند آموزش عالی در حد امکان و مقدور فراهم شد هر چند این تلاش‌ها توانست نقص عنصر کمیت را حل نماید اما در کیفیت نتوانسته است پاسخگوی مطالبات اقتصاد دانش بنیان باشد.

به عبارت دیگر نه تنها توانایی علمی و فناوری کشور متناسب با نیاز جامعه و صنعت کشور نیست بلکه هیچ ارتباط پویایی و پیوستگی بین این دو وجود ندارد.

پیشنهاد

- ۱- تدوین سند جامع علمی کشور بصورت کمی و کیفی بطوریکه قابل احصاء و ارزیابی باشد و متناسب با ظرفیت‌های بومی و منطقه‌ای
- ۲- تدوین دستورالعمل‌های حمایتی برای ارتباط هر چه بیشتر دانشگاه و تولید و صنعت از قبیل

الف- مشوق‌های مالی و مالیاتی برای بخش خصوصی در زمینه سرمایه‌گذاری در امر پژوهش و تحقیقات

ب- سوق دادن پایان نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی بر رفع نیاز بازار و تولید کشور و مشوق‌های خاص برای دانش پژوهان، دانشجویان و اساتید دانشگاهی

نظیر اینکه اخذ مدرک دکتری منوط بر حداقل یکسال فعالیت در حوزه بازار و تولید و بنگاه‌های اقتصادی است.

بند سه: محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و بکارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

از مدتها پیش موضوع بهره‌وری و رشد آن و شاخص‌های بهره‌ور در دستور کار دولت و مجلس قرار دارد ولی آیا تا کنون بهره‌ور بوده‌ایم؟ میزان بهره‌وری ما در فعالیت‌های اداری و اقتصادی آیا قابل رقابت با کشورهای منطقه هست؟ قطعاً پاسخ به این سوال قابل تأمل است و قبول داریم که در تعریف بهره‌وری و شاخص‌های آن با واقعیت موجود تفاوت معنی داری داریم. بعلاوه در اجراء و سیاست‌گذاری التزام واقعی به آمایش سرزمین و ظرفیت‌های قابل احصاء در سطح ملی و محلی نداشته و نداریم و عموماً در اثر فشارهای محلی، سیاسی و هیجانات مدیریتی اقدام به فعالیت نمودیم که خود برای کشور در دراز مدت تبدیل به یک معطل شده است.

پیشنهاد

- بازنگری در آمایش سرزمین و اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌های ملی و منطقه ای به دور از هرگونه تعصبات بومی، فرهنگی و صرفاً بر اساس مزیت‌های نسبی و منطقه ای و وضع قوانین دربرگیرنده ملاحظات آمایش سرزمین است که می‌تواند رقابت‌پذیری اقتصادی و استفاده از قابلیت‌ها را در بر داشته باشد.
- سرمایه‌گذاری و حمایت از زنجیره‌ها و شبکه‌های دارای مزیت اقتصادی و احصاء آن.



بند چهار: استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

تدوین قانون هدفمندی یارانه‌ها یک اقدام شایسته بود حذف یارانه‌ها و هزینه آن در امور تولیدی و خدمات رفاهی و درمانی و امور زیربنایی از اهداف قانون‌گذار بود ولی متأسفانه اجرای غیراصولی آن خود به یک معضل برای نظام تبدیل شده است. در عمل شاهد آن هستیم افزایش درآمد ناشی از قیمت حامل‌ها موجب تحمیل یک تقاضای کاذب در بازار و نیز تحمیل تورمی غیر قابل انتظار در کشور را نمود و عمده آن صرف پرداخت نقدینگی به مردم بطور یکسان شد که این خود ضد عدالت است و به جای آن باید به فکر ایجاد شغل و رفاه اجتماعی بود.

پیشنهادهای

- ۱- اجرای دقیق و کامل قانون هدفمندی و با اولویت تولید، خدمات درمانی و رفاهی و امور زیربنایی در گام آخر کمکهای نقدی به قشر آسیب پذیر جامعه و پرهیز از اجرای رویه‌های غیر اصولی و سیاسی و به عبارت دیگر جرأت و شهامت و روحیه جهادی در اجرای کامل قانون هدفمندی توسط دولت و مجلس
- ۲- حمایت از سرمایه‌گذاری‌هایی که منجر به کاهش شدت انرژی و افزایش بهره‌وری انرژی شود.

بند پنجم: سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش به ویژه با افزایش سهم سرمایه‌انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

در ابتدا باید زنجیره‌های تولیدی به جهت هم‌پوشانی ارزش افزوده و بهره‌وری بیشتر مورد شناسایی قرار گیرد و ارزش و انرژی‌های هر بنگاه اقتصادی در این زنجیره‌ها مشخص شود و با تشکیل کنسرسیوم‌ها و اتحادیه‌های تولید بتوانیم هم‌پوشانی مناسب در بنگاه‌های تولیدی علاوه بر ایجاد ارزش افزوده و در نهایت بهره‌وری بیشتر را ایجاد کنیم در سال‌های اخیر نگاه سیاست‌گذاران در برخی از تولیدات به شناخت زنجیره‌های تولید معطوف بوده است ولی متأسفانه عدم وجود یک ساز و کار حمایتی عملاً توفیق کامل زنجیره‌ها را در پی نداشته است شاید یکی از دلایل آن ورود حاکمیت غافل در بخش خصوصی در شناخت و تدوین زنجیره‌ها و شبکه‌های تولیدی است. به هر حال یکی از روش‌های موثر در حمایت از بنگاه‌های تولیدی اعمال سیاست‌های تشویقی در ایجاد شبکه‌ها و زنجیره‌های تولیدی است که در آن سهم بری هر یک از عوامل تولید مشخص و با کاهش سهم سایر عوامل که در تولید نقش موثر و کارساز ندارند بتوانیم موجبات ارزش افزوده بیشتر و کاهش قیمت را فراهم کنیم. بدیهی است پس از شناخت کامل از شبکه‌ها و زنجیره‌های تولیدی به جهت افزایش بهره‌وری می‌بایست سهم سرمایه‌انسانی و نیروی کار خلاق را چه در قسمت تولید و بازار با آموزش‌های مهارتی و تجربی بیشتر نمود.

پیشنهادهای

- ۱- شناخت زنجیره‌های تولیدی در هر یک از بخش‌های اقتصادی بصورت بومی- محلی و در نهایت ملی و حتی منطقه‌ای می‌تواند تاثیر بسزایی در شکل‌گیری و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی داشته باشد لذا در یک طرح ملون ملی- استانی می‌بایست این مطالعات در دستور کار دولت قرار گیرد و عامل این مطالعات می‌بایست از افراد صاحب نظر و خیره‌ر فعالیت تولیدی باشد تا با نگاه بخش خصوصی و انتفاعی نسبت به انجام مطالعات و ارائه طرح به سیاست‌گذاران اقدام نماید.
- ۲- متناسب با طرح شناختی بند صدرالاشاره در جهت ارتقاء تولید و خدمات حمایتی مناسب لازم است زمینه‌های تشکیل کنسرسیوم‌های تولیدی فراهم گردد و قوانین تشویقی و حمایتی چه در حوزه تولید و چه در حوزه مصرف داخلی و صادرات برای فعالیت این کنسرسیوم‌ها تدوین گردد و دولت و مجلس مکلف گردند در خصوص تدوین و ابلاغ و حتی اصلاح دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌ها با حوزه فعالیت هر یک از کنسرسیوم‌ها از نظرات تخصصی آنها استفاده نمایند.
- ۳- تجدید نظر در نظام‌های آموزش مهارتی و دانشگاهی متناسب با نیازهای آموزشی احصاء شده در این مطالعات و اعلام نیاز کنسرسیوم‌های تولیدی و بازار

بند شش: افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تامین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص. گرچه علم اقتصاد حکم می کند در اموری که دارای مزیت نسبی می باشیم می بایست سرمایه گذاری شود ولی تولید برخی از کالاهای استراتژیک که حیات جامعه و استقلال کشور را رقم می زند نباید از منظر توجه سیاستگذاران حذف و یا کم رنگ شود. ما همواره باید تلاش کنیم ضمن کاهش وابستگی به گونه ای عمل کنیم که قدرت چانه زنی اقتصادی ما افزایش یابد و استقلال کشور تهدید نشود و نفع سایر کشورها در توسعه روابط اقتصادی با ما باشد.

پیشنهاد

- ۱- افزایش تولید نهاده های داخلی از طریق افزایش برداشت از واحد سطح در حد نرم های جهانی اعم از گندم، جو، کدو و سم، بذر و نهال، جوجه، دارو و ماشین آلات و ادوات برداشت و فراوری آنها تا در نهایت ضمن کاهش ضایعات برداشت از واحد سطح را افزایش داده تا قیمت تمام شده محصول قابل رقابت در عرصه های بین المللی باشد.
- ۲- توجه جدی به مصرف آب و انرژی در تولید و ایجاد مکانیسم های حمایتی در بکارگیری از روش های نوین در زمینه های کشت، داشت و برداشت و فراوری. این موضوع می بایست هم در زراعت و باغداری و هم در حوزه طیور و دام مورد توجه قرار گیرد.

بند هفت: تامین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تاکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا) مواد غذایی و ارتقای عمومی یک موضوع راهبردی است که تحت تاثیر عوامل متعدد (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فن آوری، بین المللی و اکوسیستم) می باشد. به همین جهت همکاری های بین بخشی در برنامه های امنیت غذایی اجتناب ناپذیر است. با توجه به اینکه ایران در نقشه جهانی امنیت غذایی جزء مناطق پرخطر است لذا ضرورت تامین و ایجاد ذخایر راهبردی متناسب با نیاز اولیه در سپهر نیازهای ضروری جامعه خودنمایی می کند تشویق به تولید متناسب با نیاز و شرایط اقلیمی محصولات غذایی و دارویی و درمانی از مهمترین مولفه های اثربخشی این بند از اقتصاد مقاومتی است که می بایست علاوه بر ایجاد و توسعه زیر ساخت های مدیریتی در بدنه دولت قوانین و مقررات مصوب متناسب با برنامه ملی تامین غذا و درمان تغییر یابد. چرا که اقتصادی مقاوم و پویا خواهد بود که بتواند مصرف غذایی و بهداشت جامعه خود را به دور از هر گونه تهدید و نگرانی تامین کند.

پیشنهاد

- ۱- تدوین سند تغذیه و امنیت غذایی به گونه ای که سیاست ها و برنامه های دولت در بر گیرنده تدارک غذای سالم و مناسب چه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی برای خانوار ایرانی قابل تامین و دسترسی باشد.
- ۲- علاوه بر افزایش کمی و کیفی در تولید باید استانداردهای مرتبط با بهداشت عمومی جامعه و مصرف غذای سالم رعایت گردد.

بند هشت: مدیریت مصرف با تاکید بر اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید. مقوله مصرف ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با فرهنگ عمومی و راستی نمایی نیاز و مطالبه دارد به این معنا که مصرف بیش از آنکه ارتباط مستقیم با نیاز داشته باشد یک رابطه تنگاتنگ با تصورات ذهنی و برداشت های انتزاعی از واقعیت دارد. الگوی موفق و بهینه مصرف در گرو جهاد فرهنگ سازی مصرف می باشد و فرهنگ سازی عمومی نیز صرفا از شناخت، معرفی و درک صحیح نیاز دارد تا با مدیریت صحیح مصرف به الگوی اقتصاد مقاومتی دست یافت، با وجود مظاهر رشد و پیشرفت در کشور اما الگوی مصرف همچنان سنتی و صرفا بر مبنای رفاه مطلق تعریف و تبلیغ می شود در حالیکه در فرهنگ سازی مصرف باید الگوی هزینه و فایده جایگزین الگوی رفاه مطلق قرار گیرد.



پیشنهادهای

- ۱- ترویج مدیریت مصرف در سطوح مختلف توسط رسانه‌های جمعی، مدارس و مساجد.
- ۲- رابطه اصولی بین مراکز تولید علم و صنعت به منظور تامین دانش فنی مورد نیاز در حوزه تولید برای کاهش مصرف و انرژی.
- ۳- اعمال سیاست‌های تشویقی و بارانه‌ای تولید و حتی معافیت‌های خاص مالیاتی به جهت افزایش انگیزش برای سرمایه‌گذاری در تولید به منظور کاهش مصرف انرژی و بهینه‌سازی.
- ۴- برقراری نظام هفدهم تعرفه‌ای با تشریک مساعی بخش تولید به منظور کنترل واردات.
- ۵- کاهش هزینه‌های تولید و افزایش رقابت پذیری (به خصوص در حوزه کشاورزی) از طریق مکانیزاسیون و اتوماسیون.

بند نه: اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی

در یک نگاه موثر بر این باور هستیم که علی‌القاعده باید سهم بازار پول از ساختار تامین مالی می‌بایست از بانک‌ها به سمت بازار سرمایه و سرمایه گذاری خارجی برود ولی شاهد آن هستیم در اقتصاد ایران ساختار تامین مالی بانک محور است و این در شرایطی است که بدهی دولت به بانک‌ها، عدم کفایت وثایق، حضور مخرب موسسات مالی غیر مجاز، پایین بودن سرمایه بانک‌ها، ساختار ضعیف اداری آنها و زیان‌ده بودن بانک‌ها از مشکلات حائز اهمیت و جدی حوزه بانکی است که موجب گردید نتوانند در فضای اقتصادی موجود به طور سازنده نقش آفرینی نمایند.

پیشنهادهای

- ۱- تجدید نظر و بازنگری قانون عملیات بانکی بدون ربا، اداره امور بانک‌های دولتی، قانون پولی بانکی.
- ۲- بازنگری در ساختار شرکی بانک‌ها به جهت چابک سازی و افزایش بازدهی بانک‌ها و کاهش بهای تمام شده پول از طریق افزایش راندمان بانک‌ها و مدیریت هزینه‌ها که در نهایت منجر به کاهش سود گردد.
- ۳- جلوگیری از سرمایه‌گذاری بانک‌ها در شرکت‌های تابعه.
- ۴- فراهم کردن زمینه حضور موثر بازار سرمایه و توسعه بازار اوراق بدهی.
- ۵- بازنگری مجدد در آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌های بانکی در اعطاء تسهیلات با عنایت به شرایط اقتصادی امروز.
- ۶- دقت نظم و بازنگری مجدد در قوانین مرتبط مالی (نظیر ماده ۲۰ قانون رفع موانع تولید) که موجب بدهی خارج از قصور بنگاه اقتصادی به بانک‌ها شده است.
- ۷- افزایش سرمایه صندوق‌های ضمانت سرمایه‌گذاری به جهت پوشش مناسب فعالیت‌های اقتصادی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری.

بند ده: حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش آوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
- برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.
- استفاده از ساز و کار مبادلات تهاثری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- یکی از اهداف مهم اقتصادی کشور رسیدن به نرخ رشد بالا می‌باشد این امر مستلزم داشتن سیاست‌های اقتصادی متوازن و همه جانبه است. سهم نفت و گاز و مشتقات آن در صادرات قابل توجه می‌باشد که با توجه به نقش موثر و با اهمیت ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند اتکای

بیش از اندازه به درآمدهای ارزی به پاشنه آشیل امنیتی کشور تبدیل شود. لذا ایجاد تنوع در اقلام صادراتی از ضروریات اجتناب ناپذیر است. در حال حاضر علی رغم تمام اقدامات اخیر دولت تجارت خارجی ما هم در حوزه تنوع کالایی و هم تنوع مقصد صادراتی در وضعیت مناسبی نیست. به طور کلی می‌توان اذعان نمود صادرات موجب تحرک بخشی به تولید کشور از طریق افزایش تقاضا برای محصول و خدمات تولیدی می‌شود و موجب کاهش وابستگی به اقتصاد نفت محور و تنوع بخشی به منابع ارزی و افزایش اشتغال خواهد شد.

پیشنهادهای

- بازبینی و افزایش مشوق‌های موجود توسعه صادرات غیر نفتی کالا و خدمات متناسب با ارزش افزوده.
- حذف هر گونه عوارض و مالیات بر بخش صادرات.
- حذف موانع اداری و تثبیت مقررات حداقل به مدت ۱۰ سال.
- توسعه ظرفیت ترابری، بیمه، بازرسی فنی، آزمایشگاه، ارائه خدمات شبانه روزی گمرک، تسهیل صدور موقت ماشین آلات پیمانکاری.
- توسعه امکانات بندری و استقرار گمرک در مراکز تولید، توسعه ترمنال‌های صادراتی.
- انعقاد پیمان‌های دو یا چند جانبه مبتنی بر ارزش مورد توافق.
- شناسایی و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری با تاکید بر صادرات.
- بازخواهی نقش مناطق آزاد با رویکرد توسعه سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
- اطمینان دهی به سرمایه‌گذاران خارجی برای بازگشت سرمایه، مالیات و تامین مواد اولیه در دراز مدت و مستثنی بودن از قیمت‌گذاری.
- تعیین اهداف کمی سرمایه‌گذاری و تولید برای مصارف داخلی و نیازهای صادراتی.
- بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی در جهت تبدیل به مزیت رقابتی با اولویت صنایع مبتنی بر منابع طبیعی داخلی مانند صنایع معدنی و پتروشیمی.
- حمایت از تشکیل و توسعه کنسرسیوم‌های بین‌المللی به جهت شکل دهی بازار جدید.
- فعال کردن هر چه بیشتر کمیسیون‌های اقتصادی و بازرگانی با کشورهای منطقه.
- افزایش میزان پوشش‌های بیمه‌ای و کاهش ریسک صادراتی کشورهای هدف.
- تعیین و اعزام رایزنان فعال بازرگانی با مشارکت اتاق‌ها.
- تجارت ترجیحی و آزاد با اولویت کشورهای همسایه.
- تدوین و استفاده از مدل تهاثری متناسب با شرایط ریز و محدودیت‌های بین‌المللی.

بند یازده: توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تامین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

آنچه که منجر به ایجاد مناطق آزاد در کشور شد عدم آمادگی لازم برای پیوستن به اقتصاد جامعه جهانی بود و در واقع مناطق آزاد در قالب یک مکانیزم مقطعی و کوتاه مدت درصدد رفع این مشکل برآمد و البته طبق قانون می‌بایستی به موازات آن تلاش لازم بر بسترسازی و ایجاد تمهیدات لازم به منظور پیوستن به بازار جهانی صورت می‌پذیرفت، با وجود آنکه در بخش اول گام‌هایی برداشته شد اما کشور نتوانست در آماده‌سازی ایمن و منفعت طلبانه و مصلحت جویانه پیوستن به اقتصاد جهانی گام‌های موثر بردارد و لذا مناطق آزاد از مسیر اصلی خویش منحرف و به تکه‌های پازل رانته کشور که منشا بروز فساد اقتصادی نیز می‌باشد تبدیل شدند. لذا برای رفع این نقص لازم است مسیر الحاق ایمن و مطمئن به اقتصاد جهانی به منظور استفاده حداکثری از منافع آن با سرعت و دقت لازم پیموده شود و جزایر مناطق آزاد را تبدیل به کشوری با ویژگی‌های یک منطقه آزاد با لحاظ انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تامین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج تبدیل نماییم.



پیشنهاد

- ۱- همه دست اندرکاران اقتصادی دولت، مجلس و صاحب نظران بدون حب و بغض و بدون نگاه جزیره‌ای و بخشی کمک کنند تا ساز و کارهای مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در خدمت به اقتصاد کشور قرار گیرد.
- ۲- ساماندهی صنایع کوچک و متوسط و صنایع بزرگ برای افزایش رقابت‌پذیری در مناطق آزاد.
- ۳- اعطاء تسهیلات به بنگاه‌های مستقر در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی همانند داخل کشور.
- ۴- تقویت موسسات بیمه‌ای داخلی و خارجی در این مناطق
- ۵- ظرفیت سازی ایجاد زیرساخت‌های لازم در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

بند دوازده: افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری‌ها و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان
- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

پیشنهاد

- ۱- برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با کشورهای دوست به خصوص در منطقه و گسترش ارتباطات اقتصادی با این کشورها و گسترش شرکای عمده از یک شریک بزرگ به چند شریک کوچکتر.
- ۲- گسترش هدفمند و با برنامه در سازمان‌های تخصصی بین‌المللی - منطقه‌ای نظیر اگو و ...
- ۳- تبیین نکات قوت اقتصادی در حوزه‌های مختلف تولیدی برای مسئولین سیاسی به منظور بهره‌گیری هر چه بیشتر و بهتر از ظرفیت‌های اقتصادی کشور در دیپلماسی خارجی کشور
- ۴- رایزنان اقتصادی در کلیه سفارتخانه‌های ج.ا.می‌بایست با توجه به استعداد بازار کشور هدف از میان فعالین اقتصادی کشور با مشورت اتاق انتخاب شوند بطوریکه دیپلماسی خارجی در خدمت تولید کشور قرار گیرد و منجر به افزایش صادرات و استفاده بهینه از تکنولوژی‌های مورد نیاز تولید داخل از کشورهای هدف گردد. یعنی دیپلماسی در خدمت تولید و صادرات کشور باشد نه اینکه تولید قربانی دیپلماسی‌های سیاسی گردد.
- ۵- استفاده از ظرفیت‌های مدیریتی و تجربی موفق کشورمان نظیر کشاورزی، معدن، گردشگری و خدمات فنی در کشورهای دوست همسایه.

بند سیزده: چهارده و پانزده: تخصیصی در حوزه نفت است.

بند شانزده: صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تاکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیر ضرور و هزینه‌های زاید.

واقعیت تلخ آن است که دولت به معنای حاکمیت به واسطه بهره‌مندی از مواهب رانتی ذخائر خدادادی نفت و گاز به یک غول عظیم و ترسناکی تبدیل شده است که با ساختار بروکراسی فرسوده و پرمصرف در حال بلعیدن امکانات و منابع کشور است. برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی لازم است ساختار اداری کشور در تمامی ارکان حاکمیتی مورد بررسی و ارزیابی کارشناسانه مجدد قرار گیرد و بدون لحاظ تناسب رانتی و تبعیض آمیز ضمن حذف دستگاه‌های غیر ضرور و موازی شرایط اشتغال تعدیل نیروی انسانی نیز لحاظ شود.

پیشنهاد

تامین هزینه‌های عمومی که عدالت اقتصادی را تامین کند، امنیت و استقلال کشور را تضمین کند، توسعه و عمران و آبادی را تحقق بخشد بر عهده دولت اسلامی است و این امر برای تحقق اقتصاد مقاومتی هم لازم است. ولی تامین هزینه‌ها باید بر اساس معیارهایی مثل مصلحت عمومی، محبت و اعتماد به مردم، قناعت و صرفه جویی، شفافیت در تصمیم‌گیری و کیفیت هزینه کرد و کاهش تصدی‌گری شکل گیرد. در نگاهی به وضعیت هزینه کرد دولت در سال‌های اخیر در می‌یابیم اندازه دولت بسیار افزایش یافته و از همین رو اثربخشی فعالیت‌های عمومی به شدت کاهش یافته است. نبود اطلاعات نسبت به تصمیم‌گیری و عملکرد زمینه رانت خواری را فراهم کرده است. لذا دولت می‌بایست به شدت به دنبال بهبود وضعیت هزینه‌های عمومی گام بردارد تا اقتصاد مقاومتی تحقق یابد و از توان بخش غیر دولتی و خصوصی استفاده نماید و توزیع هرگونه یارانه و هر نوع انتقال درآمد و تسویه بدهی‌ها به بخش خصوصی باید در فضای شفاف صورت گیرد و از اقدام در خصوص گسترش شرکت‌های شبه دولتی به شدت پرهیز نماید.

بند هفده: اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

مالیات‌ها از جمله اهرم‌های موثر سیاست‌های مالی دولت برای کاهش فاصله طبقاتی، توزیع مجدد درآمدها و مدیریت مصرف‌گرایی به شمار می‌آید. مالیات بهترین مکانیزم رفیع تبعیض و توانمندسازی جامعه بر مبنای اشتغال مولد و پویا به شما می‌رود و از این جهت هر مقدار بر توسعه کشور اهتمام ورزیده شود به همان نسبت بر میزان درآمد ناخالص ملی و به تبع آن افزایش مالیات منجر خواهد شد و از این طریق در یک چرخه سالم اقتصادی می‌توان به رفیع تبعیض و ایجاد بستر برای سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد اقدام نمود.

پیشنهاد

- ۱- اصلاح سیستم مالیاتی بطور کامل و همه جانبه آنهم نه توسط سازمان مالیاتی بلکه توسط افرادی که تخصص اقتصاد مالیات را دارند. سازمان مالیاتی سازمانی است که تخصص آن اجرای مالیات است و در هیچ جای دنیا موضوعاتی نظیر نظام مالیاتی، قوانین مالیاتی، پایه‌های مالیاتی و نرخ‌های مالیاتی را سازمان‌های مالیاتی تدوین و طراحی نمی‌کنند.
- ۲- در ایران اطلاعات پایه مالیات مجموع درآمد نداریم چرا که سازمان مالیاتی دسترسی سهل و آسان به اطلاعات افراد را ندارند. لذا ضروری است قوانینی در حمایت از سازمان مالیاتی برای دسترسی راحت به اطلاعات اقتصادی افراد و شرکت‌ها به جهت گسترش پایه‌های مالیاتی وضع گردد و هیچ اطلاعاتی برای این سازمان محرمانه نباشد و هم چنین هیچ ارگان اقتصادی معاف از مالیات نباشد.
- ۳- اصلاح مالیات بر ارزش افزوده به مالیات بر مصرف.
- ۴- ضرورت تشدید مجازات و برخورد جدی با متخلفان مالیاتی به گونه‌ای که توجیه هیچ‌گونه فرار مالیاتی وجود نداشته باشد.

بند هجده: افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت

تا زمانیکه دولت به معنای مجموعه ارکان حاکمیتی در قالب یک مصرف‌کننده رانته وجود دارد و حیات خود را در فربه تر کردن خود و تهیه و تنظیم قوانین و مقرراتی برای حفظ و صیانت از منافع خود نبال می‌کند نمی‌توان امیدوی به افزایش سهم صندوق توسعه ملی داشت لذا در نخستین اقدام عملی باید دولت نسبت به چابک‌سازی منطقی و متعادل و متناسب با توسعه فراگیر و متوازن اقدام نماید و با کاهش وابستگی خود و توسعه کشور به درآمدهای نفتی و گازی به افزایش این صندوق بپردازد.



پیشنهاد

۱- شفافیت در عملکرد صندوق و تعیین شاخص برای اعطاء تسهیلات به بخش خصوصی متناسب با مزیت‌های عمومی منطقه‌ای و عدالت محور بودن و جلوگیری از هرگونه دست‌اندازی به منابع صندوق توسط دولت‌ها و یا مجلس.

بند نوزده: شفاف‌سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فساد از حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...

عدم شفافیت در اقتصاد موجب شده است که از یک طرف به دلیل نبود نظارت اطلاعاتی کافی فساد اداری، اقتصادی و مالی هزینه‌های سنگینی را بر اقتصاد تحمیل نماید و از طرف دیگر به دلیل فقدان اطلاعات و شفافیت در اقتصاد شاهد عدم برنامه ریزی صحیح و جامع اقتصادی و عدم ثبات سیاست‌ها باشیم. همچنین عدم شفافیت اطلاعات در اقتصاد ایران همواره عاملی در جهت فرار از نظارت بر عملکرد بخش‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش فساد اداری می شود.

پیشنهاد

- ۱- تدوین و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی جامع در حوزه‌های مختلف اقتصادی، مالی، بیمه‌ای و بانکی و همچنین سرمایه‌گذاری
- ۲- استقرار کامل نظام بانکداری یکپارچه با هدف افزایش تراکنش‌های بانکی در نقل و انتقال‌های مالی
- ۳- طراحی و استقرار نظام رصد نقل و انتقال سکه و ارز
- ۴- استقرار نظام یکپارچه گمرک الکترونیک، خدمات قضایی و ثبتی الکترونیک، سامانه رهگیری کالاهای وارداتی
- ۵- نظام حمایتی مبارزه با فساد و پولشویی
- ۶- تنظیم و اصلاح مجدد قانون چک

بند بیست: تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطاء نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

پیشنهاد

آنچه در باب اقتصاد کشور تا کنون روی داده است جز پیگیری امور معمول و یا اقدامات عجولانه و بدون مطالعه نبوده است و بدین جهت است که کشور در حال حاضر علی‌رغم برخورداری از ارزشمندترین سرمایه‌ها رشد اقتصادی چشم‌گیری ندارد. مدیریت جهادی بدین سبب بعنوان یک ضرورت در اجراء می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر کشور در شرایطی نیست که بتوانیم با درآمدهای نفتی مسائل اقتصادی را حل کنیم و مردم هم در شرایطی نیستند که بتوانند خود را با هزینه‌های سرسام‌آور فعلی و شاخص‌های فضای کسب و کار تطبیق دهند. لذا باید کلیه رؤس حاکمیتی در نظام و همچنین مدیران تلاش جدی و جهادی را سر لوحه کار خویش قرار دهند تا زمینه ساز عبور کشور از بحران‌های اقتصادی شود. بعلاوه به منظور افزایش درآمد ملی لزوم توجه به تکمیل زنجیره‌های تولیدی اجتناب‌ناپذیر است. لذا باید در حوزه‌های مختلف تکمیل زنجیره تولید را ایجاد ارزش افزوده و تکمیل صنایع پائین دستی بکار گرفته شود. اقدام جدی در حوزه‌های مختلف صنایع پتروشیمی، صنایع معدنی، صنایع فلزی، صنایع غذایی و دارویی و حتی صنایع دستی و شناسایی زنجیره‌های تولیدی آن با نگاه ارزش افزوده بیشتر می‌تواند اقتصاد ما را مقاوم‌تر کند.

بند بیست و یک: تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

اقتصاد مقاومتی نه یک شعار و نه یک تسکین‌دهنده درد ناشی از مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی کشور است بلکه یک قیام و خیزش و انقلاب بزرگ اجتماعی برای توسعه همه جانبه کشور است در بندهای ۲۴ گانه ابلاغی به خوبی می‌توان روح سند بالادستی کشور را مشاهده کرد لذا این تحول بزرگ ساختاری نیازمند پیش‌فروشنده‌های علمی و تئوریک عملیاتی و کارآمد و متناسب با تمامی مقتضیات جامعه می‌باشد و گفتمان اقتصاد مقاومتی باید به عنوان سند توسعه ملی تدوین، تشریح و تبیین و بسط داده شود.

پیشنهاد

- ۱- عزم جدی رسانه‌ها و طرح مسئله نسبت به مبانی تصمیمات اقتصادی در سطح خرد و کلان.
- ۲- ایجاد فضای نقد و تعاملات فکری از جانب رسانه‌ها در زمینه‌های نقد وضع موجود و طراحی سیاست‌های آتی، شکل‌دهی به بازارها و شرکای جدید اقتصادی در سطوح بین‌الملل، فراهم آوردن زمینه‌های کسب و کار مولد و فرهنگ مالیاتی مبتنی بر مشارکت.
- ۳- ساده سازی مفهومی و ایجاد ادبیات عامیانه از اقتصاد مقاومتی که منجر به همکاری عمومی مردم شود.
- ۴- تشویق مردم و بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مبتنی بر مزیت‌های رقابتی کشور نظیر نفت پتروشیمی، معادن و کشاورزی و پرهیز از هیجانات مقطعی و آسیب‌زا.
- ۵- زودن فرهنگ اقتصاد دولتی در جهت تغییر نگرش مدیران و دست‌اندرکاران.
- ۶- اجتناب و پرهیز همه جانبه از رانت‌زدگی در توزیع اطلاعات اقتصادی.

بند بیست و دو: دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و بکارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.
- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.
- وظیفه دولت مدرن ایجاد زمینه و بسترسازی برای توسعه می‌باشد دولت نباید در قامت مجری به امورات جامعه بپردازد بلکه به عنوان متولی نظم و امنیت و آزادی شهروندان در تمامی شئون از جمله مسائل اقتصادی باید شرایط سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و رفاه ملی را فراهم نماید لذا نقش دولت صرفا نظارت و صیانت از حقوق شهروندی است تا از تعدی به سرمایه و خسارت به سرمایه‌گذاری و لطمه دیدن سرمایه‌گذار به طور جدی و دقیق جلوگیری شود. دولت مجری و مداخله‌گر به واسطه در اختیار داشتن ابزارهای قدرت و سلطه به بزرگترین تحریم‌کننده سرمایه‌گذاری داخلی و خطرناک‌ترین دشمن اقتصاد مقاومتی تبدیل می‌شود که با روح و محتوای اقتصاد مقاومتی در تعارض کامل می‌باشد.

پیشنهاد

- ۱- بازنگری در فهرست شرکای تجاری به ترتیبی که رابطه تجاری با پیوندهای غیر تجاری همراه شود.
- ۲- اجتناب از درجه وابستگی زیاد کشور به یک شریک تجاری خاص
- ۳- ساماندهی به مبادلات مالی همراه با مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری بطوریکه بتوانیم با ابزارهای کارآمد مالی امکان ضربه پذیری اقتصاد کشور را در جریان تهدیدهای مختلف به حداقل برسانیم.
- ۴- تقویت بنیه تولید داخلی و کاهش هزینه‌های تولید به منظور رقابت جهانی
- ۵- پرهیز از خام‌فروشی و کمک به تولیدات صنعتی با ارزش افزوده بالا.
- ۶- جلوگیری از کالاهای مصرفی تجملاتی و بی کیفیت.



بند بیست و سه: شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بازار از جمله اقدامات موثر دولت در نظام توزیع اصلاح شبکه‌های توزیع در جهت کاهش هزینه‌های مبادله و قیمت‌نهایی مصرف کننده و همچنین باز طراحی شیوه‌های نظارت بر بازار با توجه به شرایط کنونی است.

پیشنهادهای

- ۱- پشتیبانی و حمایت از ایجاد و توسعه فروشگاههای زنجیره ای و بزرگ
- ۲- ساماندهی واحدهای غیر دولتی پخش کالا
- ۳- توسعه شیوه های نوین تأمین، توزیع، بازاریابی و فروش
- ۴- ساماندهی صنوف فاقد پروانه
- ۵- ساماندهی گردش کالا از تولید تا مصرف و ایجاد بانک اطلاعاتی جامع

بند بیست و چهار: افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

مصرف بهینه هدف عمده و تعیین کننده در اقتصاد است و از همین رو مصرف به عنوان مبنای ترین موتور محرکه و انگیزه تولید و سرمایه گذاری باید در نظر گرفته شود. لذا تأمین نیاز و خواست و مطالبه مشتری به عنوان انگیزه اصلی تولید باید مبنای قرار گیرد که این مهم در تدوین استانداردهای پیشرفته و امن و افزایش کیفیت و خدمات بهینه به استانداردها دست یافتنی است. خوشبختانه وضعیت و افق تولید در کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران در رتبه قابل قبولی است اما مشکل عمده در فقدان استاندارد و نظارت بر استاندارد و عدم خدمات پس از تولید و در یک کلام نبود کیفیت محصولات داخلی می باشد که پیش از تبلیغات باید در عرصه واقعی و ملموس در معرض قضاوت جامعه قرار گیرد.

پیشنهادهای

- ۱- بازنگری قانون و آئین نامه‌های مرتبط با وظایف و فعالیتهای سازمان ملی استاندارد به منظور تحقق هر چه سریع تر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.
- ۲- تدوین، بازنگری و تجدید نظر استانداردها بر اساس نیاز جامعه.
- ۳- تسریع و تسهیل در صدور مجوزهای لازم برای کالاهای صادراتی و وارداتی مشمول مقررات استاندارد اجباری.





اتحاد بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران